

گزارشی که خوب است نهادهای نظارتی بخوانند

سیل ماموریت خارجی دولتی‌ها در روزهای آخر

عجیب‌وغریب نزنند. اصلا به سابقه تصمیمات عجیب و پرحاشیه که نگاه می‌کنیم، اکثر قریب‌به‌اتفاق آنها در همین ماه‌ها و ایام پایانی دوران مسئولیت برخی مسئولان گرفته شده است. حالا خیلی جریانی هم نیست و فرقی هم نمی‌کند آن مسئولیت مربوط به سیستم اجرایی و دولت باشد یا مجلس و نمایندگان آن یا اصلا جناح چپ یا راست. در کارنامه خیلی از مسئولان، خصوصا در ایام پایانی مسئولیت‌شان، تصمیمات و



یک مکانیسم یا سازوکاری باید فقط و فقط برای ماه‌های پایانی دوره مسئولیت برخی مسئولان کشور درنظر گرفته شود تا دست به کارهای

ولنگاری در حوزه سیاستگذاری

برای شروع و توصیف و تفسیر ماجرا سه، چهار مساله دست به نقد را با هم بررسی می‌کنیم. یکی در زمینه سیاستگذاری‌های کلان و دو مورد هم در زمینه تقسیم پست و امتیازات ویژه؛ مورد اول ماجرای ممنوعیت تغییر رشته در دوره کارشناسی ارشد بود که دو سه روزی فضای آکادمیک و رسانه‌ای کشور را در این وانفسای کرونايي تحت‌تاثیر خود قرار داد. مساله‌ای که مشخص بود هیچ فکر و تدبیری پشت آن نیست و برخلاف ادعای مسئولان مبنی بر انجام کار کارشناسی فقط در راستای محدود کردن و از بین بردن استعدادهای بود. نامه‌ای یک‌شبه که ناگهان در رسانه‌ها منتشر شد و تصمیمی که هیچ‌کس جز خود وزارت علوم مدافع آن نبود. البته این مورد بعد از پیگیری‌های رسانه‌ای و مطالباتی که طرح شد و انتقاداتی که صورت گرفت بالاخره ملغی شد و ماجرا از دستورکار خارج و تصمیم‌گیری در ارتباط با آن به بعد از انجام کارهای کارشناسی و بررسی‌های همه‌جانبه موکول شد. از این‌دست تصمیمات عجیب‌وغریب در این ماه‌ها و روزهای پایانی دولت کم نیست ولی خب خیلی قصد پرداختن به این مدل را نداریم و از آن مهم‌تر اینکه به‌صورت مبسوط پیش‌تر در این رابطه گزارش‌هایی در همین صفحه منتشر شد.

اقدامات مشکوک در هلال احمر ادامه دارد



کار به‌صورت کاغذی اعطای می‌شود که در اولین ورودبه امارات (مثل سفر کنسل‌شده روز شنبه همین آقایان!)، وزیای اصلی به پاسپورت الصاق می‌شود و شخص پس از چند روز کارت اقامت را هم دریافت می‌کند. البته این افراد اصل ماجرا را تکذیب کرده‌اند و عوام‌فریبانه سعی دارند همان کاری بودن ویزا را به خورد مخاطب بدهند، منتها طبق اسناد موجود و ادعای مطلعان اصل ماجرا همان اقامت اینها در امارات است. اصلا همه کارگزاران در امارات هم می‌دانند که اعطای ویزی کار به معنای مجوز اقامت است و تکذیب و فراق‌کنی این افراد تأثیری در اصل اقدام عجیب آنها ندارد. واقعا مجموعه هلال احمر دیگر تاب‌رشد و نموورژن دیگری از پیوندی و آن حاشیه‌های عجیب و غریبش را ندارد. نهادهای نظارتی باید هرچه زودتر به داد این مجموعه مردمی و به‌اصطلاح غیردولتی برسند تا بیش از این به اعتماد عمومی نسبت به آن خدشه وارد نشود.



امنیت ملی کشورمان، عدم به‌کارگیری مدیرانی است که اقامت کشورهای دیگر را دارند. مدیرانی مانند همتی که قرار است به‌زودی راهی امارات‌متحده عربی شود تا امور اقامتی‌اش را به فرجام برساند؛ تدارکاتی که شامل صدور قریب‌الوقوع حکم ماموریت امارات برای نماینده سابق و بازمانده از عضویت در شورای شهر تهران در انتخابات هم می‌شود؛ این خبر لایه‌لای اخبار تلخ کرونايي و باقی موضوعات خیلی دیده‌نشد و بازتاب نداشت، اما «فرهیختگان» با پیگیری‌هایی که انجام داده، ضمن تأیید تلاش همتی برای عزیمت به امارات به اسنادی دسترس‌ی پیدا کرده است که نشان می‌دهد همتی، «م.م» که باجنای اوست و نیز یک «م.م» دیگر هر سه در گرفتن مجوز جهت عزیمت و حضور در امارات موفق بوده‌اند. نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این که در امارات چیزی به نام درخواست اقامت نداریم، همین که یک شخص ویزی کار درخواست کند و موافقت بشود، ویزی سه‌ساله همراه با کارت ملی امارات را دریافت می‌کند که به آن مجوز اقامت گفته می‌شود. در وهله اول ویزی



امنیت ملی کشورمان، عدم به‌کارگیری مدیرانی است که اقامت کشورهای دیگر را دارند. مدیرانی مانند همتی که قرار است به‌زودی راهی امارات‌متحده عربی شود تا امور اقامتی‌اش را به فرجام برساند؛ تدارکاتی که شامل صدور قریب‌الوقوع حکم ماموریت امارات برای نماینده سابق و بازمانده از عضویت در شورای شهر تهران در انتخابات هم می‌شود؛ این خبر لایه‌لای اخبار تلخ کرونايي و باقی موضوعات خیلی دیده‌نشد و بازتاب نداشت، اما «فرهیختگان» با پیگیری‌هایی که انجام داده، ضمن تأیید تلاش همتی برای عزیمت به امارات به اسنادی دسترس‌ی پیدا کرده است که نشان می‌دهد همتی، «م.م» که باجنای اوست و نیز یک «م.م» دیگر هر سه در گرفتن مجوز جهت عزیمت و حضور در امارات موفق بوده‌اند. نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این که در امارات چیزی به نام درخواست اقامت نداریم، همین که یک شخص ویزی کار درخواست کند و موافقت بشود، ویزی سه‌ساله همراه با کارت ملی امارات را دریافت می‌کند که به آن مجوز اقامت گفته می‌شود. در وهله اول ویزی

سیستان و بلوچستان در محاصره کرونا، بی‌آبی و سوءتدبیر

کرونا نیز از محرومیت‌های تاریخی سیستان و بلوچستان پرده‌برداری کرد

سیستان به‌طور کامل خشک شده، بلکه ذخیره‌گاه‌های حیاتی شمال استان که محل تأمین آب بیش از ۱/۵ میلیون نفر است، یعنی چاه‌نیمه‌ها به‌طرز خطرناکی کاهش پیدا کرده و منطقه را با بحران جدی آب روبه‌رو خواهد کرد؛ بحرانی که با هزاران تاکنر و آب معدنی هم قابل‌حل نخواهد بود. نیاز منطقه شمال استان سیستان و بلوچستان تأمین پایدار آب است که می‌تواند بر پایه ظرفیت‌های خود منطقه در صادرات انرژی و استقرار دولتی پایدار در افغانستان انجام شود و همچنین قرارداد جدیدی برای احیای هامون و حقایه و افزایش حق ایران تنظیم شود، همچنین باید برای جلوگیری از تبخیر صدها میلیون مترمکعب آب در سال در چاه‌نیمه‌ها تدبیری داخلی توسط دولت و دانشگاه‌های کشور انجام شود و توالی‌های سیل و خشکسالی در بلوچستان بزرگ‌ترین گواه سوءمدیریت آب در کشور و استان است، هم اکنون دو سد بزرگ یعنی زیردان و پیشین با ذخیره ده‌ها میلیون مترمکعب آب فاقد سیستم شبکه آبرسانی پایین‌دست هستند و به‌جای نعمت به‌مصیبت برای مردم تبدیل و باعث تحمیل خشکسالی به منطقه شده‌اند. (سد زیردان در سال ۹۰ احداث شده و صد پیشی در دهه ۷۰)

این روزهای سیستان و بلوچستان سیاه شده است؛ به‌دلیل موج انفجاری کرونا، داستان تکراری بی‌آبی، داستان تکراری ریزگردها، داستان تکراری سیل در بلوچستان (در قمرقند تا کنون راه ارتباطی ۳۰ روستا را قطع کرده است)، داستان تکراری زیرساخت‌های ضعیف سلامت به‌ویژه در بلوچستان که ۱۰ شهرستان فاقد بیمارستان هستند و یک میلیون نفر از راست تا جاسک فقط به یک بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی دسترسی دارند و برای هر بیماری و ناخوشی باید صدها کیلومتر سفر کنند به استان‌های همجوار یا به پاکستان بروند، داستان تکراری زیرساخت‌های ضعیف ارتباطی به‌طوری که اکنون بیش از دوهفته است ارتباط ۲۵ هزار نفر از مردم جلگه چاه‌هاشم بلوچستان قطع شده است. محل عبرت و انباشت همه سوءمدیریت‌ها و ناکارآمدی سیاستی ساختاری است که در طول دهه‌ها لاعلاج رها شده است و در سیستان و بلوچستان و مناطق محروم میوه داده است. حل محرومیت و نابرابری با زنگشت به مردم و قانون و عدالت به‌جای اشرافیت است که اشرافیت به‌ویژه در دهه اخیر با عدالت بیگانه و نسبت به نیاز و حق مردم کور و کر است.

بحران مدیریت آب در بلوچستان، محرومیت گسترده زیرساختی اعم از دسترسی به پزشک و بیمارستان، مدرسه، جاده و بزرگراه و آب در بلوچستان درمان نشد؛ که طی سه‌سال نوم غارتگر ۵۰ درصدی اندک درآمد آنها نیز غارت شد و فقیرتر شدند؛ فقری که در بحران کرونا جان‌های بیشتری را تقدیم مرگ کرد.

آتش کرونا بر باروت محرومیت سیستان و بلوچستان

حالا به این محرومیت چندبعدی و این انبار باروت محرومیت آتش کرونا افتاده است و هزاران نفر از مردم سیستان و بلوچستان در حال سوختن هستند و تاکنون چندصد نفر از مردم فوت شده‌اند. این درحالی است آمار مرگ در خانه و آمار مرگ بی‌شناسنامه‌ها که دلیل فقدان مدارک و بیمه به بیمارستان‌ها مراجعه نمی‌کنند را هم باید اضافه کرد، عدم دسترسی مردم حاشیه شهرها به‌ویژه در زاهدان با ۴۰۰ هزار نفر حاشیه‌نشین به مراکز درمانی و غربالگری را نیز باید افزود تا تصویر واقعی بحران کرونا در سیستان و بلوچستان را تصور کرد. به‌دلیل بیمارستان‌هراسی تاریخی مردم از بیمارستان‌های محدود استان و انباشته خاطرات تلخ از مرگ عزیزان عمده ابتلا و مرگ مردم آنجا در خانه‌ها رقم می‌خورد و مردم از بیمارستان‌های استان به‌عنوان کشتارگاه یاد می‌کنند و این باعث شده مرگ در خانه را ترجیح بدهند و رفتن به بیمارستان را مساوی با مرگ قلمداد کنند، لذا تا لحظه‌ای در برابر رفتن به بیمارستان مقاومت می‌کنند و یکی از علل اصلی خالی ماندن تخت‌های بیمارستان‌ها نیز این مطلب است. مردم به‌ویژه جمعیت چندصد هزار نفره حاشیه‌نشین به‌دلیل فقر و فقدان توان پرداخت هزینه رفت‌وآمد به مراکز درمانی تا زمان وخامت بیماری از رفتن به بیمارستان خودداری می‌کنند.

سرزمین داستان‌های تکراری محرومیت

به‌جز این تصویر کلان از محرومیت سیستان و بلوچستان ۱۹ تیر ۱۴۰۰ داستان تکراری توفان‌های ریزگرذ سیستان آغاز شده و ذرات غبار چندبرابر حد مجاز از زابل تا زاهدان رسیده؛ چرا که پس از احداث بند کمال‌خان به‌طورکلی ورود آب به ایران متوقف شده است و در انفعال دولت ایران و تماشای جشن اتمام بند کمال‌خان توسط اشرف غنی در نوروز ۱۴۰۰، نته‌نات هامون منبع حیات

جز این اما بد نیست سراغ خبر جدیدی برویم که روز گذشته روی خروجی برخی سایت‌ها و رسانه‌ها قرار گرفت و آن هم تصمیمات عجیب رئیس هلال احمر ایران بود. مخاطبان این صفحه‌اگر یادشان باشد، دو سال و اندی پیش بود که «فرهیختگان» پرونده حواشی موجود در این مجموعه باعث شد نظارت‌ها حول اقدامات مسئولان وقت این سازمان بیشتر شود. حاصل آن پرونده و مطالبات عمومی و رسانه‌ای درنهایت این شد که رئیس‌قبلی هلال احمر بازداشت شد و همچنان پرونده‌اش باز است. این که چرا روند رسیدگی به اتهامات پیوندی این مقدار کند پیش می‌رود، موضوعی است که باید به‌طور جداگانه و در زمان دیگری به آن پرداخت و جویا شد، منتها اصل ماجرا اینکه پیگیری‌ها دقیقاً لب‌پرتگاه سقوط اعتماد عمومی نسبت به جمعیت هلال احمر آن را بازیابی کرد و با متخلفان و متهمان آن پرونده تا حدی برخورد شد. بعد از آن و بعد از انتخابات سراسر حاشیه هلال احمر و انتخاب کریم همتی به‌عنوان رئیس جدید این سازمان توسط حسن روحانی، کمی توجهات از ساختمان صلح برداشته شد و امید می‌رفت که رئیس جدید مسیر قبلی‌ها را ادامه ندهد و جای پای پیوندی و باقی همکاران و دوستانش نگذارد. اما گویا مشکلات هلال احمر و حواشی پیرامون این مجموعه ثروتمند و پرنفوذ همچنان ادامه دارد.

دو روز پیش تابناک طی گزارشی پرده از اقدامات و تصمیمات مشکوک همتی، رئیس این سازمان برداشت و نوشت: «کریم همتی که فروردین‌ماه سال گذشته و پس از گذشت دوره‌ای طولانی از نابسامانی در جمعیت هلال احمر کشورمان، با حکم رئیس‌جمهور رسماً با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خداحافظی کرده و بر صندلی ریاست جمعیت هلال احمر کشورمان نشست؛ اما مدتی است با برخی اقدامات عجیب، موجبات شگفتی بسیاری را فراهم آورده و عزمش را برای شگفتی‌بزرگ‌تری جزم کرده است. از جمله نخستین تصمیمات عجیب وی، صدور حکم ماموریت خارج کشور برای «م.م»، یکی از مدیران جمعیت هلال احمر در یکی از شهرهای غربی کشورمان است که اگر بدانیم با همتی نسبت سببی دارد و باجنای وی است، عجیب به نظر می‌رسد، اما عجیب‌تر آنجاست که بدانیم این فرد با نزدیک به ۲۲ سال سابقه کاری، در آستانه بازنشستگی است، حال آنکه حکم ماموریت صادره برای وی، سه‌ساله است؛ از آن مهم‌تر، مقصد وی کشور امارات‌متحده عربی در آن سوی خلیج فارس است، درحالی‌که این فرد اساساً به زبان عربی و حتی انگلیسی آشنایی ندارد. نکاتی به غایت عجیب که موجب می‌شود، این سؤال پیش‌روی شنونده قرار گیرد که هدف از این ماموریت سه‌ساله و پرهزینه چیست؟ اما بشنوید از اقدام دیگر رئیس جمعیت هلال احمر کشورمان که برخلاف نمونه قبلی، عزل یکی از معاونان چندماه‌هاش است. اقدامی که منجر به اعتراض نمایندگان استان اصفهان شد و نتیجه شگفت‌آور دیگری رقم زد؛ اعزام فرد معزول به امارات‌متحده عربی، درحالی‌که این فرد پزشک عمومی است و مرکز پزشکی هلال احمر کشورمان در همسایه آن‌سوی خلیج فارس به‌شدت نیازمند پزشکان متخصص و فوق‌تخصص است نه پزشک عمومی. مستندات از تلاش رئیس جمعیت هلال احمر کشورمان برای دریافت اقامت این کشور حکایت دارد؛ آن هم در شرایطی که از جمله مصوبات و مقررات وضع شده توسط شورای عالی

مجتبی جهان‌تغ

فعال اجتماعی

این روزها شاهدیم که با رسانه‌ای شدن برخی تظلم‌خواهی‌ها از سوی مردم سیستان و بلوچستان مانند دختر سیستانی در روستای ملادادی و مردم در فضای مجازی از بحران کرونا، کمبود تخت، اکسیژن، دارو و سرم و پزشک برخی نگاه‌ها و به‌ویژه با سفر برخی مسئولان ارشد کشوری مانند فرمانده نیروی زمینی سپاه و ارتش، معاونان وزیر بهداشت جلب شده است؛ هرچند پس از دوهفته تقلا و التماس فعالان محلی فشار رسانه‌ها و نمایندگان مجلس از وقوع هشدار درباره وقوع بحران انسانی به‌علت کرونا. البته وزیر بهداشت و رئیس‌جمهور کل بحران کرونا را ظالمانه و تاریخی کتمان کردند تا تلخی دولت و تدبیر برای مردم سیستان و بلوچستان به اوج برسد و فراموش نداشتنی شود. حضور سپاه و ارتش، احداث بیمارستان‌های مخرابی، اعزام صدها نیروی کادر پزشکی و درمانی برخوردی مسئولانه‌تر و متناسب با واقعیت منطقه را نشان می‌دهد؛ همچنین بردن صدها تاکنر برای روستاهای تشنه ام‌ری قابل تحسین است که برای مدتی کوتاه این محرومیت و این داستان‌های تکراری هرساله را برای مردم صبور و رنج‌دیده و بی‌صدامرزان سیستان و بلوچستان کمی التیام و تسکین می‌دهد اما ریشه‌ها را حل نمی‌کند؛ ریشه‌ها تأمین آب پایدار از هیرمند از دولت افغانستان با دیپلماسی فعال وزارت خارجه و وزارت نیرو است. (به گفته رئیس کمیسیون زیست محیطی کشور طی هشت‌سال یک‌بار هم رئیس‌جمهور یا وزیر خارجه برای حقایه سیستان ایران با همتای افغانستانی تماسی نگرفته است) راهکار پایدار تأمین حقایه ایران از افغانستان است، مدیریت آب چاه‌نیمه‌هاست، شفافیت و بهره‌برداری هر چه سریع‌تر برای منطقه در رابطه با پروژه آب‌های ژرف به عنوان یک منبع بزرگ آبی در منطقه است، تمرکز بر مدیریت آب به‌جای انتقال آب که هزینه‌های هنگفت و ارزی و محیط‌زیستی است، راهکار نظارت بیشتر بر شرکت آب و فاضلاب منطقه‌ای و شرکت‌های پیمانکار است، راه‌حل کار ریشه‌ای قرارداد جدید حقایه بین ایران افغانستان است، راهکار بهره‌برداری هرچه سریع‌تر از طرح‌های نیمه‌تمام آبرسانی در بلوچستان است و به‌ویژه تأمین مالی و تخصیص بودجه از صندوق توسعه ملی برای زیرساخت‌های سلامت و آموزش و آب به‌عنوان حقوق اولیه و قانونی مردم